

۱

---

بیانیه گام دوم و تعلیم و تربیت

---

---

## توصیه‌های بیانیه گام دوم از منظر قرآن و حدیث

---

محمد حسین صاعد رازی<sup>۱</sup>

### چکیده

در بیانیه گام دوم، هفت توصیه وجود دارد که در سه دسته «علم و عقلانیت» و «ایمان، معنویت و اخلاق» و «عمل (اقتصاد، عدالت و مبارزه با فساد، استقلال و آزادی و عزت ملی، روابط خارجی و مرزبندی با دشمن)» قابل تقسیم است. این توصیه‌ها در قالب یک نقشه راه شایسته است با ادله قرآنی و حدیثی تقویت شده و تفسیر و تبیین گردد؛ بنابراین در هر یک از این سه دسته، دلایل و مستندات قرآنی و حدیثی ارائه می‌گردد. هدف از این پژوهش آن است که مستندات قرآنی و حدیثی این توصیه‌ها تبیین گردد، تا از یک سو به طور نظری دلایل مستحکم این توصیه‌ها بیان شود و از سوی دیگر برخی راهکارهای عملی ارائه شده در آیات و روایات در تحقق هر یک از این توصیه‌ها ارائه شود. روش این پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده و از منابع کتابخانه‌ای و نرم‌افزاری مربوط به قرآن و حدیث و بیانات و مکتوبات مقام معظم رهبری علیه السلام استفاده شده است.

کلید واژگان: بیانیه گام دوم، انقلاب اسلامی، قرآن و حدیث، آیت الله العظمی

خامنه‌ای علیه السلام، مقام معظم رهبری

---

۱. دکتری تخصصی رشته قرآن و علوم، گرایش علوم تربیتی و استاد همکار جامعة المصطفی العالمیة h. saedrazi@yahoo.com

### بیان مسأله

دیدگاه های حضرت آیت الله العظمی خامنه ای علیه السلام در جایگاه ولی فقیه، برآمده از تفسیر اجتهادی ایشان از قرآن و حدیث است و بر این اساس پشتوانه هر یک از سخنان ایشان و به ویژه بیانات و مکتوبات ویژه ایشان قطعاً معارف قرآن و حدیث می باشد. بر این اساس این پژوهش در صدد آن است که پشتوانه های قرآنی و حدیثی بخش مهم بیانیه گام دوم یعنی توصیه های آن را کشف و تبیین نماید.

### پیشینه

بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن سال ۱۳۹۷ از سوی مقام معظم رهبری علیه السلام ارائه گردید و بیشتر آثار موجود ناظر به تبیین و تفسیر آن است و یا هنوز به مرحله انتشار نرسیده است. با رویکردی که این تحقیق به دنبال منابع اجتهادی بیانیه است نیز اثر منتشر شده ای وجود ندارد.

### مقدمه

ابلاغ بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی سرآغاز و طلیعه حرکت جدیدی در افق روشن و امیدبخش انقلاب اسلامی است. این گام نو با نگاه کامل به گام گذشته و آسیب شناسی و ظرفیت شناسی و تحلیل دقیق، عالمانه و مجتهدانه مقام معظم رهبری حضرت آیت الله العظمی خامنه ای علیه السلام است.

در حقیقت این بیانیه را به سه بخش «تبیین وضعیت گذشته»، «تبیین وضعیت موجود»، «توصیه ها نسبت به آینده» می توان تقسیم کرد که این مقاله در صدد یافتن پشتوانه های قرآنی و حدیثی بخش سوم یعنی توصیه هاست.

این توصیه ها به طور کلی در سه دسته ذیل تقسیم می شود:

توصیه های ناظر به علم و عقلانیت

توصیه های ناظر به اخلاق و معنویت

## توصیه‌های ناظر به عمل و فعالیت

### بخش اول) پشتوانه‌های قرآنی توصیه‌های ناظر به عقل و علم

#### الف) عقل

قرآن کریم در بیش از سیصد آیه انسان‌ها را به تفکر و تعقل و تدبیر دعوت کرده است (علامه طباطبایی، ۱۳۹۰، ۲۵۵/۵ و ۲۵۵/۵ و مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۸۲، ۱۸۸/۱) و مشتقات واژه «عقل» بیش از ۴۹ بار با صیغه فعلی در قرآن کریم بکار رفته است که بیانگر اهمیت و جایگاه بکار گرفتن عقل است.

آیات مربوط به تفکر و تعقل در قرآن کریم را به دودسته کلی می‌توان تقسیم کرد: آیاتی که بیانگر ارزش و دعوت به تعقل در امور مختلف، همچون مبدأ و معاد (بقره/۲۴۲. بقره/۷۳) زنده شدن زمین بعد از مردن آن (حدید/۱۷. رعد/۴) شب و روز و خورشید و ماه و... (نحل/۱۲) آفرینش انسان (غافر/۶۷) آثار گذشتگان (یوسف/۱۰۹) اعجاز قرآن و محتوی و نزول آن (نساء/۸۲ - زخرف/۳) برتری آخرت بر دنیا (انعام/۳۲) نشانه‌های مختلف خداوند در عالم هستی (بقره/۱۶۴) پذیرش سخن حق (زمر/۱۷.۱۸) و... است. آیاتی که عدم بکارگیری عقل را نکوهش کرده و به آثار عدم خردورزی مانند دوری از هدایت الهی، جدا شدن از ارزش‌های انسانی و ارتکاب گناهان، اشاره می‌کند (بقره/۱۷۰. مائده/۱۰۳. حشر/۱۴. انعام/۳۲ و...).

در قرآن کریم تعابیری همچون شعور (انعام/۱۲۳)، فقه (منافقون/۷)، درایت (طلاق/۱)، حکمت (یونس/۳۵) و بصیرت (آل عمران/۱۳. حشر/۲ و...) نیز به معنای عقلانیت بکار رفته‌اند (المیزان، ۳۷۱/۲). البته در این تعابیر واژه «بصیرت» بیشترین تکرار را در قرآن دارد. بصیرت، به معنای هوشمندی، شناخت دوست و دشمن، شناخت درست از نادرست و قدرت فهم و تحلیل است که مانع جذب انسان به جاذبه‌های دروغین می‌شود و به انسان کمک میکند تا گرفتار بیراهه‌ها و کج‌راهه‌ها نشود (آیت الله خامنه‌ای، بیانات، ۲۶ / ۰۱).

۱۳۷۰ و ۱۹ / ۱۰ / ۱۳۹۰ و ۲۶ / ۰۸ / ۱۳۹۵) و این همان عقلانیت دینی است. از این رو انسانیت انسان به معنای واقعی با بصیرت او سنجیده میشود (امام خمینی، صحیفه امام، ۴۶۲/۸).

در خصوص روایات اولین فصل از کتاب کافی به بیان بخشی از روایات مربوط به عقل اختصاص یافته است. در برخی روایات عقل به عنوان حجت باطنی الهی در عرض نقل که حجت ظاهری الهی است معرفی شده است (کلینی، ۱۴۰۷، ۱، ۱۶ و ۲۵). عقل معیار درک خیر و دین داری انسان است (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ۵۴ و کلینی، ۱۴۰۷، ۱، ۶) و در برخی روایات عقل، معیار محاسبه در قیامت معرفی شده است (کلینی، ۱۴۰۷، ۱۱) و حدیث معروف به جنود عقل و جهل - به عنوان یک منشور کلی - مجموعه‌ای از صفات حسنه و سجایای اخلاقی را به عنوان لشگریان عقل معرفی می‌کند (کلینی، ۱۴۰۷، ۲۲).

در متون دینی واژه «جهل» در موارد متعدد به معنای نابخردی و در مقابل عقل بکار رفته است؛ (علامه طباطبایی، ۱۳۹۰، ۲۴۷/۲ و مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۳/۳۱۳) مانند: یوسف/۳۳ و ۹؛ بقره/۶۷؛ نمل/۵۵. بر این اساس در کتاب شریف کافی نیز عقل در برابر واژه جهل قرار گرفته است نه علم. از این رو جهالتی که در برابر بعثت پیامبران قرار گرفته است به معنای عدم علم نیست؛ بلکه به معنای نابخردی و حاکم شدن شهوت و غضب بر زندگانی بشر است (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۹۵/۰۲/۱۶) به طوری که اعمال و رفتار انسان تحت تأثیر قوه واهمه او قرار می‌گیرد که چنانچه تحت نظام عقلی نباشد، ذاتاً مایل به دنیا و شرور است. (امام خمینی، ۱۳۸۲، ۲۱)

## ب) علم

در تبیین نسبت اسلام با علم به معنای مطلق آگاهی، شواهد تاریخی و نقلی نشانگر دعوت اسلام به جهل‌ستیزی، تفکر و علم‌آموزی و عدم پیروی کورکورانه از تعالیم دینی، می‌باشد. اسلام به عنوان دین علم و کتابت، همواره عالمان و جویندگان علم را تشویق (هروی، کتاب و کتابخانه، ص ۳۷۳) و از آغاز ظهور و با نزول اولین آیه از قرآن به پیامبر

اعظم علیه السلام، ارزش والای علم‌آموزی، خواندن و نوشتن را تبیین کرده است. بر اساس تعالیم اسلام، تحصیل علم بر هر فرد مسلمان واجب بوده و محدودیت‌های زمانی و مکانی و اعتقادات صاحبان علم نباید مانع از آموختن و شاگردی مسلمانان شود (مطهری، ۱۳۹۸، ص ۱۵۸ - ۱۶۱). در آیات متعددی همچون «هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَْعَلْمُونَ وَ الَّذِينَ لَا يَْعَلْمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ» (زمره، آیه ۹) قرآن کریم با اشاره به فضیلت مطلق علم و برابر ندانستن عالمان و جاهلان، عالمان و خردمندان را بر جاهلان رجحان نهاده و تنها عالمان را متوجه حقایق امور معرفی می‌نماید. (طباطبائی، جلد ۱۷، صص ۳۷۰ - ۳۷۱).

علاوه بر دعوت اسلام به علم‌آموزی به معنای عام، تأکیدات پیشوایان دین بر پرداختن به تجربه و مشاهده عینی در فرایند علم‌اندوزی از یک سو (جعفری، ۱۳۸۳، ص ۳۰)، و اهتمام و ابتکار مسلمانان در رشته‌های تجربی علمی از سوی دیگر، موجب تولید آثار علمی با استفاده از روش‌های تجربی شد. دغدغه مسلمانان برای انجام کامل فرایض دینی و تعیین اوقات شرعی، باعث شد تا علومی مانند نجوم، ریاضی و طب، در زمره اولین علوم تجربی مورد توجه مسلمانان قرار بگیرند. در ادامه توفیقات بدست آمده، مسلمانان با صبر و حوصله فراوان، مسیر تحقیقات تجربی را ادامه داده و قواعد مختلف نظام خلقت را احصا و نظریه‌پردازی کردند (هونکه، برد و هابنر، ۱۹۹۴). دستاوردهای دانشمندان مسلمان همچون جابر بن حیان در علم شیمی، از شاگردان مستقیم امام صادق علیه السلام و بسیاری دیگر، حکایت از ترغیب پیشوایان دین به علوم تجربی دارد (خویی، ۱۴۲۰، ج ۴، ص ۱۰).

همچنین، اسلام مبادرت به ایجاد تمایز بین علم نافع و غیرنافع کرده و معصومین علیهم السلام از جمله امیرالمومنین علی علیه السلام از علم غیرنافع، به خداوند پناه می‌برند (نهج البلاغه، نامه ۳۱). منظور از علم نافع، دانشی است که با تبدیل شدن به عمل، زمینه طی مسیر کمال را برای انسان فراهم کرده و علاوه بر عالم، برای دیگران نیز منفعت ایجاد کرده (خان‌محمدی و باقری، ۱۳۸۹) و مسائل کشور را حل نماید (بیانات در دیدار جمعی از استادان، نخبگان و پژوهشگران دانشگاه‌ها - ۱۳۹۸/۰۳/۰۸ - <https://farsi.khamenei.ir/speech->

content?id=42700). از این رو، محدودیتی در آموختن علوم مفید برای جامعه اسلامی، وجود ندارد. اسلام موافق و مشوق علم و صنعتی است که در خدمت پیشرفت و تمدن بشری قرار بگیرد؛ و نه ترویج منکرات و فحشا (موسوی خمینی، ۱۳۹۲).

### بخش دوم) پشتوانه های قرآنی توصیه های ناظر به اخلاق و معنویت

#### الف) معنویت

در فرهنگ اسلامی و متون روایی بحث از ایمان و معنویت و یاد خدا اهمیت ویژه‌ای داشته و در دستوره‌های عبادی و غیر عبادی ادیان الهی مخصوصاً اسلام، آمده است تا انسان‌ها را از مسیر بی‌راهه باز دارد (مطهری، مجموعه آثار، ۴/۴۴۳). در اسلام خبری از گناه ازلی و آلودگی مادرزادی نیست؛ بلکه او دارای فطرت پاک الهی است و با اعمال اختیاری خود به روح یا نفس خود شکل می‌دهد.

از نظر اسلام معنویت جدا از زندگی و تنها متعلق به جهان آخرت نیست. با عنایت به اینکه مبنای توجیه معنویت، ایمان به غیب و باور به خدا است، از اینجا معلوم می‌شود ماتریالیسم ریشه در ضد معنویت داشته و مکاتب مادی، مکاتب معنویت‌گریز و معنویت‌ستیزند (مطهری، مجموعه آثار، ۱/۵۷۹؛ آیت الله خامنه‌ای، ۲۲/۲/۱۳۶۹ بیانات در دیدار روحانیون و ائمه‌ی جمعه و جماعات استان مازندران؛ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2307>) در جهان‌بینی اسلامی معنویت یکی از فضائل و ارزش‌های عالی و والای انسانی به شمار می‌رود که زمینه اصلاح برون و گسترش ارزش‌های انسانی در محیط زندگی و جوامع بشری را فراهم می‌کند. (ر.ک: مطهری، مجموعه آثار، ۲۴/۱۵۰) در این گونه جهان‌بینی، انسان از موقعیت ممتازی برخوردار است در منطق اسلام انسان هم مسئول تربیت، تعالی، تزکیه و تطهیر خود بوده و هم مسئول ساختن دنیا است. انسان در الگو و نگاه اسلامی موجودی است دو بعدی (طبیعی و الهی)؛ اما در نگاه غربی، انسان مادی محض است و هدف او لذت‌جویی و بهره‌مندی از لذات زندگی دنیاست، براین

اساس انسان‌شناسی اسلام با انسان‌شناسی مکاتب غربی اختلاف بنیادین دارند. مکتب «نیهیلیسم» و پوچ‌گرایی جزو آثار و نتایج زندگی مادی در غرب است؛ که از جمله آن فقر معنویت است که عمدتاً جوانها را به پوچی می‌کشاند (ر. ک: آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۱۲/۲۲ بیانات در جلسه پرسش و پاسخ دانشجویان دانشگاه صنعتی امیرکبیر؛ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=7585>) اما در جهان‌بینی اسلام، ثروت و قدرت و علم، وسیله‌اند برای تعالی انسان. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۸۶/۲/۲۵ بیانات در دیدار دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد؛ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3383>)

### ایمان به عنوان اساس معنویت

ایمان در اصطلاح آیات و روایات عبارت است از معرفت و اعتقاد قلبی به خداوند متعال، فرشتگان، آخرت، وحی و کتاب‌های آسمانی، انبیاء، پیامبر اکرم ۹ و اهل بیت آن حضرت: .

آیات و روایات متعدد متعلق ایمان را بیان نموده‌اند؛ از جمله آن‌که قرآن کریم متعلق ایمان را وجود خداوند، فرشتگان، کتاب‌های آسمانی و پیامبران دانسته و می‌فرماید:

(أَمِنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ، كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ...)<sup>۱</sup>

افزون بر آن، قرآن مجید ایمان به آخرت را از حقیقت ایمان برشمرده است:

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا، آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي نَزَّلَ عَلَيَّ رُسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي نَزَّلَ مِنْ قَبْلُ، وَمَنْ يَكْفُرْ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا)<sup>۲</sup>

قرآن حکیم از ایمان به این حقایق با عنوان «ایمان به غیب» نیز تعبیر نموده و می‌فرماید:

(ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ \* الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ...)<sup>۳</sup>

۱. بقره: ۲۸۵.

۲. نساء: ۱۳۶.

۳. بقره: ۲ و ۳.



همچنین در روایات فراوان ایمان به ولایت اهل بیت: بخشی از متعلق ایمان معرفی شده است؛ از جمله در زیارت جامعه کبیره - که از امام هادی علیه السلام روایت گردیده - آمده است:

«أَشْهَدُ اللَّهَ وَأُشْهِدُكُمْ أَنِّي مُؤْمِنٌ بِكُمْ وَبِمَا أَمَنْتُمْ بِهِ، كَافِرٌ بَعْدُكُمْ وَبِمَا كَفَرْتُمْ بِهِ... مُؤْمِنٌ بِسِرِّكُمْ وَعَلَانِيَتِكُمْ، وَشَاهِدُكُمْ وَعَائِيَكُمْ، وَأَوْلَكُمْ وَأَخْرِكُمْ، وَمُؤَوِّضٌ فِي ذَلِكَ كُلِّهِ إِلَيْكُمْ وَ مُسَلِّمٌ فِيهِ مَعَكُمْ. وَقَلْبِي لَكُمْ سَلِيمٌ، وَرَأْيِي لَكُمْ تَبِعٌ وَنُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ...»<sup>۱</sup>

مهم ترین موانع معنویت:

با توجه به اهمیت معنویت، در قرآن و روایات بر موانع آن و لزوم رفع موانع هم تأکید شده است:

تبعیت از هوای نفس: در متون دینی یکی از موانع معنویت تبعیت از هوای نفس معرفی شده است قرآن کریم در آیه ۱۰ سوره شمس فرموده است آن کس که نفس خویش را با معصیت و گناه آلوده ساخته، نومید و محروم گشته است «وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا». دنبال کردن هوای نفس انسان را از پیمودن راه الهی نگه می‌دارد و مقابله با آن انسان را سعادتمند می‌کند. (آیت الله خامنه‌ای دام ظلّه، ۱۳۷۳/۶/۲۹، بیانات در دیدار فرماندهان سپاه؛ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2726>) قرآن کریم در آیه ۲۳ سوره نجم هوای نفس را مانند تکیه بر ظن و گمان یکی از عوامل لغزش می‌داند «إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَ مَا تَهْوَى الْأَنْفُسُ» (ر.ک: مطهری، مجموعه آثار، ۶۷/۲؛ ۴/۴۹۳) همچنین تبعیت از تمایلات نفسانی اسارت و بردگی و بندگی نفس «أَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ» (فرقان، ۴۳) تلقی می‌شود. (مطهری، مجموعه آثار، ۱۵/۲۴۳) پیروی از شهوات و اطاعت از هوای نفس موجب محرومیت انسان از دست‌یابی به مقامات معنوی و ملکوتی می‌گردد. (آیت الله خامنه‌ای دام ظلّه، ۱۳۷۲/۱/۴، بیانات در دیدار کارگزاران نظام؛ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=11684>)

حب دنیا: در متون دینی حب دنیا مورد مذمت واقع شده است (آل عمران، ۱۵۲؛ نحل،

۱. کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲، ص ۶۱۴، شیخ صدوق.

۱۰۷) و دل بستن به دنیا در رأس همه خطاها و گناهان بیان گردیده است (کلینی، ۱۴۰۷، ۱۳۱/۲؛ ر. ک: آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۸۷//۶/۳۰ خطبه‌های نماز جمعه تهران؛ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3813>) و کسی که در دنیا خدا را نشناخته و از حب خدا و رضا و خشنودی حق تعالی چیزی درک نکرده در آخرت نیر محجوب است؛ چنانکه خداوند گمراهان و نابینایان در دنیا را گمراه در آخرت معرفی فرموده است «وَمَنْ كَانَ فِي هَذِهِ أَعْمَىٰ فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمَىٰ وَأَضَلُّ سَبِيلًا» (اسراء، ۷۲؛ ر. ک: مطهری، مجموعه آثار، ۷۵/۲۷) حب دنیا و دل‌بستگی‌های شخصی موجب می‌شود که انسان حقیقت را آنچنان که هست ادراک نکند. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۱/۲/۲، بیانات در جلسه بیست و سوم تفسیر سوره بقره؛ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=17178>)

غفلت و فراموشی آخرت: قرآن کریم غفلت از یاد خداوند را از ویژگی‌های کفار برمی‌شمارد (ق، ۲۲) و آن را سبب نسیان (حشر، ۱۹) و سختی در معیشت دنیا می‌داند (طه، ۱۲۴) در روایات نیز غفلت سبب خسران، کور شدن چشم بصیرت، فساد اعمال، گمراهی نفس و مردن قلب، معرفی شده است (آمدی، ۱۳۶۶، ۲۶۶)

## ب) اخلاق

اسلام اخلاق و آموزه‌های اخلاقی توجه ویژه‌ای داشته و در قرآن کریم بر آن تاکید شده است، که از مهم‌ترین آنها، ستایش پیامبر اسلام بر وصف اخلاقی بودن؛ «وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ». (قلم، ۴؛ ر. ک: آیت الله خامنه‌ای دام ظلّه، ۱۳۸۵/۵/۳۱) در موارد متعددی نیز از صفات اخلاقی برخی از انبیاء و بندگان خالص نام برده است. از آن جمله: حضرت نوح علیه السلام را شکر گزار، (اسراء، ۳) ابراهیم علیه السلام را تسلیم، (بقره، ۱۳۱) شکر گزار نعمت‌های الهی، (نحل، ۱۲۱) راستگو (مریم، ۴۱) و وفادار به پیمان‌ها (نجم، ۳۷)، ادریس را راستگو (مریم، ۵۶)، اسماعیل را صابر، (انبیاء، ۸۵؛ صافات، ۱۰۲) یوسف را به اخلاص در بندگی (یوسف، ۲۳ - ۲۴) ایوب را صابر و اواب (ص، ۴۴) معرفی می‌کند. و در مواردی از فساد اخلاقی برخی از امت‌ها و ملل یاد کرده است؛ از آن جمله: ظلم و ستم قوم نوح، (نجم، ۵۲) نسبت‌های

خلاف اخلاق قوم عاد از قبیل سفاهت و دروغ به هود علیه السلام (اعراف، ۶۶) فحشاء و کارهای ناشایست قوم لوط (اعراف، ۸۰-۸۱) کم فروشی و تبه کاری قوم شعیب (شعراء، ۱۸۱-۱۸۳) و شماری از انحراف های اخلاقی بنی اسرائیل مانند: حرص، (بقره، ۹۶) حب دنیا (بقره، ۸۵-۸۶) و پیمان شکنی (بقره، ۶۳-۶۴) همچنین در آیاتی به بیان سعادت و شقاوت، (هود، ۱۰۵؛ شمس، ۹-۱۰) هدایت و گمراهی، (تغابن، ۶) اصلاح و افساد، (انفال، ۱؛ شعراء، ۱۸۱-۱۸۳) تزکیه نفس (شمس، ۹) پرداخته و آیاتی دیگر برخی از مصادیق اخلاقی را بیان نموده اند مانند: تقوا، (بقره، ۲، ۲۱، ۱۰۳؛ آل عمران، ۱۵، ۱۰۲؛ حجرات، ۱۳) توکل، (آل عمران، ۱۲۲، ۱۵۹-۱۶۰؛ نساء، ۸۱؛ مائده، ۱۱، ۲۳) شکر، (بقره، ۱۵۲، ۱۷۲؛ آل عمران، ۱۴۵؛ نساء، ۱۴۷) صبر (بقره، ۴۵، ۱۵۳، ۱۵۵؛ آل عمران، ۱۲۰) و ایثار (بقره، ۲۰۷؛ حشر، ۹؛ انسان، ۸).

در روایات نیز این موضوع دارای اهمیت ویژه ای بوده و افزون بر کتاب هایی که با نام «مکارم الاخلاق»؛ مانند مکارم الاخلاق طبرسی و مکارم الاخلاق ابن ابی الدنیا، نگارش یافته، در بسیاری از متون روایی بابتی بدان اختصاص یافته؛ چنانکه کلینی علاوه بر آنکه جلد دوم از کتاب الکافی را به این موضوع اختصاص داده به طور اختصاصی ذیل «باب المکارم» (کلینی، ۱۴۰۷، ۲/۵۵)، محمد ابن همام اسکافی ذیل «باب فی اخلاق المؤمنین و علامات الموحدین» (ر. ک: اسکافی، ۱۴۰۴، ۶۶) شیخ صدوق ذیل باب «معنی مکارم الاخلاق» (صدوق، ۱۳۶۱، ۱۹۱) به طرح و بیان این موضوع پرداخته اند. افزون بر موارد یاد شده می توان گفت در همه متون روایی به تناسب مباحث، روایات متعددی در بیان و اهمیت مسائل اخلاقی بیان شده؛ هرچند بابتی ذیل این موضوع تدوین نگردیده است. (ر. ک: صدوق، ۱۴۱۷، ۲۹۰؛ ۳۵۵؛ همو، ۱۴۰۳، ۱۲۵، ۴۳۱؛ ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ۶-۸، ۲۱۵؛ خزاز قمی، ۱۴۰۱، ۲۵۱؛ مفید، ۱۴۱۴، ۲۲۵)

### بخش سوم) پشتوانه های قرآنی توصیه های ناظر به عمل و فعالیت

در این ساحت یک بحث عام قرآنی و حدیثی نسبت به عمل می توان انجام داد و یک

بحث خاص مربوط به عناوین عملی ذکر شده در بیانیه یعنی:

۱. اقتصاد
۲. عدالت و مبارزه با فساد
۳. استقلال و آزادی
۴. عزت ملی، روابط خارجی و مرزبندی با دشمن
۵. سبک زندگی

### الف) عمل به معنای عام در قرآن و حدیث

#### عمل به معنای فعالیت و کار

در قرآن کریم بیش از ۱۰۰ آیه (البته برخی تا ۴۰۰ آیه هم برشمرده اند) در تشویق به کار و تلاش و بیان ارزش و اهمیت کار و تلاش وارد شده است. و هم چنین تعدادی از آیات به مشاغل پیامبران بزرگوار الهی پرداخته که آنها در کنار رسالت مندی و هدایت گری برای جامعه اسلامی اشتغال به کار و فعالیت داشته تا هم معاش خویش را تأمین نمایند و همدیگران را در این مسیر تشویق به کار و تلاش کنند به همین جهت به مشاغل برخی از آنان اشاره می شود. براساس برخی از آیات از جمله سوره هود آیه ۳۷، سوره قصص آیه ۲۷، سوره انبیاء ۸۰ و... شغل حضرت نوح علیه السلام را نجاری و شغل حضرت شعیب علیه السلام را دامداری و کارگری و شغل حضرت موسی علیه السلام را شبانی و کارگری و شغل حضرت داود را زره سازی و آهنگری و شغل حضرت آدم علیه السلام را کشاورزی و شغل حضرت ابراهیم علیه السلام را کشاورزی و دامداری، شغل حضرت ادریس علیه السلام خیاطی و حضرت یعقوب و ایوب به زراعت و دامداری و شغل حضرت هود و صالح تجارت و حضرت سلیمان حصیربافی و حضرت عیسی صیادی و نجاری و حضرت محمد صلی الله علیه و اله تجارت و صیادی و شبانی بوده است.

قرآن کریم در آیات ذیل انسان را تشویق و ترغیب به کار و تلاش نموده است: «إِنَّ سَعِيكُمْ لَشْتَىٰ» (لیل ۴)

«و ان لیس للانسان الا ما سعی» (نجم ۳۹) و اینکه برای انسان جز سعی و کوشش او نیست و سعیش بزودی دیده می شود او به نتیجه اش می رسد. سپس به او جزای کافی داده خواهد شد. «کل نفس بما کسبت رهینه...»

### عمل به معنای عمل صالح

پس از کسب ایمان، مهم ترین اصل تربیت اخلاقی که قرآن کریم و روایات معصومان: بر آن بسیار تأکید کرده اند، بایستگی مبادرت به عمل صالح است. از دیدگاه قرآن و سنت همان گونه که ایمان در شکل گیری و انجام عمل صالح مؤثر است، عمل صالح نیز در تثبیت و تقویت ایمان نقشی اساسی دارد. از این رو قرآن مجید عمل صالح را موجب بالا رفتن اعتقاد - یعنی ایمان - دانسته و می فرماید:

(...إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ، وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ...)<sup>۱</sup>.

نیز در روایتی از امام صادق ۷ آمده است:

(... لَا يَثْبُتُ لَهُ الْإِيمَانُ إِلَّا بِالْعَمَلِ، وَالْعَمَلُ مِنْهُ...)<sup>۲</sup>.

ایمان برای مؤمن محقق نمی شود مگر با عمل، و عمل نیز ناشی از ایمان است.

همچنین درباره رابطه ایمان و عمل صالح از امیر مؤمنان ۷ روایت شده:

(... فَبِالْإِيمَانِ يُسْتَدَلُّ عَلَى الصَّالِحَاتِ، وَبِالصَّالِحَاتِ يُسْتَدَلُّ عَلَى الْإِيمَانِ...)<sup>۳</sup>.

آدمی با ایمان بر امور صالح - از جمله اعمال صالح - رهنمون می شود، و با امور صالح بر ایمان رهنمون می گردد.

به عبارت دیگر معیار «صدق ایمان»، بندگی خداوند در مقام عمل و انجام اعمال

صالح است. قرآن کریم از این امر با عنوان امتحان الهی یاد کرده است:

(أَحْسِبَ النَّاسَ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا: «آمَنَّا» وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ؟)<sup>۱</sup>.

۱. فاطر: ۱۰.

۲. الکافی: ج ۲، ص ۳۸، شیخ کلینی.

۳. نهج البلاغة: کلام ۱۵۶، ص ۲۱۹، سید رضی.

نیز هدف از مرگ و زندگی انسان را امتحان او برای انجام اعمال نیکوتر ذکر کرده است:

(الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا، وَهُوَ الْعَزِيزُ الْعَفُورُ).<sup>۲</sup>

همچنین در روایتی، امیر مؤمنان<sup>۷</sup> رابطه واقعی بین «اعتقاد به آخرت و عمل به مقتضای آن» و نیز بین «محبت به صالحان و عمل آنان» را بیان نموده، و ما را به عمل صالح برای آخرت، دل‌کندن از زخارف دنیا و رسیدن به مقام صالحان موعظه کرده‌اند:

«لَا تَكُنْ مِمَّنْ يَرْجُو الْآخِرَةَ بِغَيْرِ عَمَلٍ وَ يُرْجَى التَّوْبَةَ بِطُولِ الْأَمَلِ، يَقُولُ فِي الدُّنْيَا بِقَوْلِ الرَّاهِدِينَ وَ يَعْمَلُ فِيهَا بِعَمَلِ الرَّاعِبِينَ... يُحِبُّ الصَّالِحِينَ وَ لَا يَعْمَلُ عَمَلَهُمْ».<sup>۳</sup>

و بنابر روایت زیر امام صادق<sup>۷</sup> ضمن آن‌که ایمان را صرف آراستگی ظاهری به اعمال خوب و یا آرزوی بدون عمل ندانسته‌اند، ایمان را به امری (اعتقاد) خالص در قلب‌ها تعریف نموده‌اند که اعمال صالح آن را تصدیق می‌کند:

«لَيْسَ الْإِيمَانُ بِالتَّحَلِّيِّ وَ لَا بِالتَّمَنِّيِّ، وَ لَكِنَّ الْإِيمَانَ مَا خَلَصَ فِي الْقُلُوبِ وَ صَدَّقَتْهُ الْأَعْمَالُ».<sup>۴</sup>

در نقطه مقابل، اعمال کسانی که از نور ایمان الهی بهره‌ای نبرده‌اند و در گمراهی دنیا

رکون یافته‌اند، ارزش نداشته و ضایع و تباه می‌باشد:

(قُلْ: هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا؟ \* الَّذِينَ ضَلَّ سَعْيُهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ هُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا. \* أُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَ لِقَائِهِ، فَحَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ، فَلَا نُقِيمُ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزَنًا).<sup>۵</sup>

نیز آنان که در دنیا ایمان نداشته و یا همراه ایمان خود عمل صالح و خیری کسب

۱. عنکبوت: ۲.

۲. ملک: ۲.

۳. نهج البلاغة: حکمت ۱۵۰، ص ۴۹۷، سید رضی.

۴. تحف العقول: ص ۳۷۰، شیخ ابن شعبه حرانی.

۵. کهف: ۱۰۳-۱۰۵.

نکرده‌اند، در آخرت از نعمت‌های بی‌پایان الهی بهره‌ای نخواهند داشت:  
 (... يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ أَمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي  
 إِيْمَانِهَا خَيْرًا...).<sup>۱</sup>

### ۳. پرهیز از عمل سیئی

در کنار عمل صالح، پرهیز از عمل سیئی (بد و زشت) از مهم‌ترین اصول تربیت اخلاقی به‌شمار می‌رود؛ زیرا همان‌گونه که عمل صالح در ارتقای ایمان و کسب اخلاق نیک مؤثر است، عمل سیئی نیز در آلودگی روح، ضعف و از دست دادن ایمان و سقوط آدمی به ورطه هلاکت بسیار تأثیرگذار است. روایت زیر از امام صادق علیه السلام شدت زخم و جراحت روح در اثر کار زشت را بیان می‌نماید:

«... وَإِنَّ الْعَمَلَ السَّيِّئَ أَسْرَعُ فِي صَاحِبِهِ مِنَ السِّكِّينِ فِي اللَّحْمِ».<sup>۲</sup>

نیز بنابر روایتی امام باقر علیه السلام ضمن هشدار به تأثیر شدید گناه بر جان انسان، ضرورت حفظ طهارت قلب را برای بهشتی شدن این‌گونه بیان نموده‌اند:  
 «الدُّنُوبُ كُلُّهَا شَدِيدَةٌ، وَأَشَدُّهَا مَا نَبَتَ عَلَيْهِ اللَّحْمُ وَ الدَّمُ... وَ الْجَنَّةُ لَا يَدْخُلُهَا إِلَّا  
 طَيِّبٌ».<sup>۳</sup>

همچنین بنابر روایت دیگر، آن حضرت پیدایش زنگار دل (زین قلب) را اثر تکرار گناه و توبه نکردن از آن دانسته و فرموده‌اند:

«مَا مِنْ عَبْدٍ إِلَّا وَ فِي قَلْبِهِ نُكْتَةٌ بَيْضَاءُ، فَإِذَا أذْنَبَ ذَنْبًا حَرَجَ فِي التُّكْتَةِ نُكْتَةً سَوْدَاءً؛ فَإِنْ تَابَ ذَهَبَ ذَلِكَ السَّوَادُ، وَ إِنْ تَمَادَى فِي الدُّنُوبِ زَادَ ذَلِكَ السَّوَادُ حَتَّى يُعْطِيَ الْبَيَاضَ، فَإِذَا غَطَّى الْبَيَاضَ لَمْ يَرْجِعْ صَاحِبُهُ إِلَى خَيْرٍ أَبَدًا، وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ: (كَالْبَلِّ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ

۱. أنعام: ۱۵۸.

۲. الکافی: ج ۲، ص ۲۷۲، شیخ کلینی.

۳. همان: ج ۲، ص ۲۷۰، همو.

ما کائُوا یَکْسِبُونَ<sup>۱</sup>»<sup>۲</sup>.

بنابر این آنان که پی‌درپی به کارهای زشت پرداخته و از آن توبه نمی‌کنند، فطرت الهی خویش را مدفون کرده و در نتیجه، رفتاری جز تکذیب آیات و نشانه‌های الهی، کفر و تکبر در برابر حق نخواهند داشت:

﴿ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةَ الَّذِينَ أَسَاءُوا السُّوْأَىٰ أَنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَ كَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِئُونَ﴾.<sup>۳</sup>

ب) عمل به معنای امور خاصی که در بیانیه در عرصه عملی تأکید شده، در قرآن و حدیث

#### ۱. اقتصاد

اسلام همانند دیگر مکاتب از نظام و مکتب اقتصادی برخوردار است (صدر سیدمحمد باقر، اقتصادنا ۱۴۰۸ ق، ص ۳۱ و ۳۳۰-۳۳۱؛ همو، ۱۹۷۳ م: ص ۱۴۰؛ نامه مفید، ص ۵۷؛ مطهری، ۱۳۶۸ «ب»: ص ۳۷). اسلام از بدو ظهور متعرض نظام‌های حاکم در جامعه بوده و خود دارای سیستم و نظام خاص اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی است و برای تمامی ابعاد و شؤون زندگی فردی و اجتماعی قوانین خاصی دارد و جز آن را برای سعادت جامعه نمی‌پذیرد (صحیفه امام، ج ۵، ۳۸۹). شاهد بر این ادعا آموزه‌های اقتصادی قرآن است که ابعاد زندگی انسان را فرا گرفته و خطوط اصلی روابط اقتصادی و حقوق اقتصادی افراد را تبیین نموده است. (ر.ک: ادامه مقاله)

در آیات ۵۸ تا ۶۲ سوره بقره به زندگی شهرنشین بنی اسرائیل و ضرورت آشنائی آنان با اقتصاد مطرح شده است. آنان وقتی اجازه ورود به بیت المقدس را یافتند ملزم به مراعات شرایط و ضوابط زندگی شهری و قوانین اقتصادی شدند. (طباطبائی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۲۴۹)

۱. المطففین: ۱۴.

۲. الکافی: ج ۲، ص ۲۷۳، شیخ کلینی.

۳. روم: ۱۰.



و در آیات ۴۰ سوره غافر و ۱۰ سوره اعراف به رابطه میان مکاتب اقتصادی و جهان بینی پرداخته شده است. همچنین در آیه ۲۰ شوری، تفاوت اقتصاد اسلامی با دیگر مکاتب اقتصادی، در رویکرد (دنیاگرایانه یا آخرت‌گرایانه) ترسیم شده است.

به سبب شدت اهتمام اسلام به مسئله اقتصاد برخی از قواعد شرعی اقتصادی مانند قاعده نفی سبیل (نساء / ۴ / ۱۴۱)، قاعده نفی عسر و حرج (حج / ۲۲ / ۷۸)، قاعده اتلاف (۵) (بقره / ۲ / ۱۹۵) قاعده دولة (حشر، ۷) و برخی عقود اسلامی جاری در اقتصاد مانند عقد مضاربه (بقره / ۲ / ۱۸۸)، عقد جعاله (یوسف / ۱۲ / ۷۲)، عقد بیع (بقره / ۲ / ۲۷۵)، عقد قرض (بقره / ۲ / ۲۴۵) و عقود دیگر در قرآن بیان شده است؛ همچنین در آیاتی به اهداف اقتصادی اسلام، استقلال اقتصادی (نساء / ۴ / ۱۴۱ و آل عمران / ۳ / ۱۳۹)، حفظ حاکمیت و اقتدار سیاسی (انفال / ۸ / ۶۰ و هود / ۱۱ / ۱۱۳)، تأمین رفاه عمومی و مبارزه با فقر (اعراف / ۷ / ۳۲ و توبه / ۹ / ۶۰)، برقراری عدالت اقتصادی و اجتماعی (بقره / ۲ / ۲۶۸) اشاره گردیده است. در جوامع حدیثی نیز ابواب فقهی مختلفی مانند تجارت، مکاسب، معاملات و سایر مباحث مربوط به اقتصاد مطرح شده که همه شاهدی بر جایگاه اقتصاد در اسلام است. رسول خدا ﷺ سعی و تلاش انسان برای تأمین معاش زندگی را با جهاد مجاهد مساوی دانسته است: «الکاد علی عیاله کالمجاهد فی سبیل الله» اهمیت کار در مکتب اسلام به حدی است که بعد از نماز که ستون دین است از طلب روزی و در پی کسب بودن یاد شده و بر فریضه بودن آن تصریح شده است: «طلب الکسب فریضة بعد الفریضة». این روایات حاکی از اهمیت مقوله اقتصاد و جایگاه ویژه آن در آموزه‌های اسلامی است؛

چنانکه شروع اسلام و تبلیغ آن توسط پیامبر اکرم ﷺ به پشتوانه ثروت حضرت خدیجه رضی الله عنها بود آن حضرت بدون هیچ‌گونه چشم‌داشتی، همه اموال خویش را در راه اقامه توحید در جامعه شرک‌آلود بعثت، در اختیار پیامبر ﷺ گذاشت. (صدوق، امالی، ۴۶۸) اموال خدیجه رضی الله عنها به قدری زیاد بود که تا هجرت رسول خدا ﷺ به مدینه، توسط آن حضرت صرف تقویت اسلام شد رسول خدا ﷺ در واپسین روزهای خود در مکه، به حضرت علی رضی الله عنه

دستور داد به کمک اموال باقی مانده خدیجه علیها السلام برای هجرت خود و همراهانش، چند شتر بخرد؛ تا زمانی که رسول خدا صلی الله علیه و آله در مکه بود، با مال خدیجه علیها السلام بدهکار و اسیر را آزاد و از ناتوان دست‌گیری می‌کرد و به نیازمندان می‌بخشید و فقرای اصحاب خود را مهمان می‌کرد و هزینه آنان را که می‌خواستند هجرت کنند، می‌پرداخت. (مجلسی، بحارالانوار، پیشین، ج ۱۹، ص ۶۳)

چنانکه امیرمؤمنان علی علیه السلام نیز علاوه بر احداث باغات متعدد در اطراف مدینه، با خرید زمین در خود مدینه، باغهای متعددی ایجاد کرد، چاه‌های پرآبی را حفر و وقف نمود (حسینی، ۱۳۸۰، ۷ / ۲۵۳ - ۲۵۷) و می‌فرمود هر کس آب و خاک در اختیار داشته باشد و فقیر بماند خداوند او را از رحمت خویش دور می‌سازد. (مجلسی، ۱۰۳ / ۶۵).

در اندیشه انقلاب اسلامی نیز به تبع آیات و روایات یادشده، بر این باور تأکید می‌شود که اسلام در ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیازهای مردم را برای ترقی واقعی برآورده کرده (صحیفه امام، ج ۴، ۱۴۵) و تمام آرزوهای بشری را به طور شایسته در دسترس آنها قرار داده است و قوانین اسلام اعم از قوانین اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و معنوی قوانین غنی‌ای است. (صحیفه امام، ج ۵، ۴۰۵) نگاه گسترده اسلام به عدالت اجتماعی و بحث درباره نظام مالی در حوزه عدالت اجتماعی و دیدگاه‌های مربوط به آن و رعایت مصالح فردی و اجتماعی به گونه‌ای که به هیچ یک از فرد و اجتماع آسیبی نرساند (سیدقطب، عدالت اجتماعی در اسلام، ۱۷۱). دیدگاهی است که شاید تا کنون در هیچ یک از جوامع اسلامی تحقق نیافته و حمایت نشده است. اما نظام اسلامی ایران که مبتنی بر اصل ولایت فقیه است. تمام توان و تلاش خود را به کار گرفته است که این نظریه ارائه شده در شریعت مقدس اسلامی را در فضای جامعه و مدل حکومتی الهی خود محقق سازد و آن را به مثابه مسئولیتی عظیم برای خود قلمداد می‌کند (آیت الله خامنه‌ای، حدیث ولایت، ۱۳۶۹، ۳). بنابراین اسلام اقتصاد را به صورتی سالم و بدون وابستگی و برای رفاه همه مردم و با اهمیت به مستمندان و ضعیفان بارور می‌کند (صحیفه امام، ج ۱، ۳۴۳). و بهبود معیشت از جمله‌ی

چیزهایی است که مردم را به بهشت نزدیک میکند جامعه‌ای که در آن فقر، بیکاری، مشکلات معیشتی غیر قابل حل، اختلاف طبقاتی، تبعیض وجود داشته باشد، حالت آرامش ایمانی پیدا نمیکند. فقر، انسانها را به فساد و کفر میکشاند (كَادَ الْفُقْرَانُ أَنْ يَكُونُوا كُفْرًا). (کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۳۰۷)؛ از این رو برای ریشه کنی فقر باید فعالیت اقتصادی به طور جدی در برنامه‌های مسئولین قرار بگیرد، (آیت الله خامنه‌ای دام ظلّه، بیانات، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=26388>)

## ۲. عدالت و مبارزه با فساد

خداوند به صراحت، مسلمانان و مومنان را به قیام به قسط و عدل فرامی‌خواند و می‌فرماید، به عدالت، صلح برقرار سازید و دادورزی پیشه کنید. و عدل در هیچ موقعیتی نباید ترک شود: در روایات اسلامی و کلام معصومین نیز بحث از عدالت و وجوه گوناگون آن مطرح بوده است، عدالت میزان و ترازوی خداوند در زمین است، هر که آن را دریابد به بهشت، او را سوق دهد و هر که آن را رها سازد، توسط آن به دوزخ کشیده می‌شود. (وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۱۰) عدالت از فضایل بزرگ انسانیت است، عدالت جزئی از فضیلت نیست بلکه همه فضیلتها است. و جور جزئی از رذیلت نیست، بلکه همه رذیلتها می‌باشد. (ر. ک. امام خمینی، شرح حدیث جنود عقل و جهل، ص ۱۵۰) مقام قداست عدالت تا آن جا بالا رفته که پیامبران الهی به خاطر آن مبعوث شده‌اند. (مطهری؛ سیری در نهج البلاغه، ص ۱۰۲) فلسفه وجودی (نظام اسلامی و کارگزاران آن)، عدالت است. (آیت الله خامنه‌ای دام ظلّه، [بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، ۱۳۸۵/۳/۲۹](https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3344))

عرصه زندگی میدان گسترده‌ای برای طرح عدالت فراهم می‌آورد. شهید مطهری آنچه در قرآن کریم راجع به عدل اجتماعی آمده است را به چهار قسم تقسیم می‌کند:

۱. عدل خانوادگی ۲. عدل قضایی مثل ۶۲ و ۱۳۵ نساء، ۴۵ و ۸۰ مائده ۳. عدل

اصلاحی و اجتماعی، ۷۶ نمل، ۲۱ آل عمران ۴. عدل سیاسی، ۶۰ نساء، ۲، ۸ و ۴۸ مائده (مطهری، ۱۳۷۹، جلد ۶: ۲۱۵)

واقعیت این است که عرصه زندگی و حیات جمعی به عنوان اصلی‌ترین و گسترده‌ترین حوزه عدالت اقسام متعددی از عدالت را در خود جای می‌دهد.

عدالت توزیعی، عدالت تشریعی و تقنینی، عدالت کیفری و قضایی، عدالت سیاسی، عدالت خانوادگی (رعایت عدالت در محیط خانواده نسبت به فرزندان و همسر)، عدالت اجرایی و تدبیری، عدالت صیانتی و حفظی (رعایت عدالت در حفظ مال و جان و آبروی افراد) از زمره زیر شاخه‌های عدالت در عرصه زندگی و حیات جمعی محسوب می‌شوند.

امر الهی به عدالت‌ورزی "انّ الله یأمر بالعدل و الاحسان" (۹۰ النحل) تمامی عرصه‌های متصور عدالت را پوشش می‌دهد همچنان که این خطاب آحاد جامعه و حاکمان و صاحبان مناصب را به یکسان به عدالت‌ورزی مکلف می‌کند.

بر خلاف لیبرالیسم کلاسیک و جریان اصلی لیبرالیسم که ایده عدالت اجتماعی را بر نمی‌تابند و دولت را نسبت به حمایت از اقشار آسیب‌پذیر و نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی مکلف نمی‌دانند، در تعالیم اسلامی تأکید خاصی بر رعایت افراد ضعیف و فقیر و آسیب دیده وجود دارد که بخشی از این تأکید گرچه متوجه آحاد مؤمنان است که از طریق پرداخت مالیات‌های اسلامی (خمس، زکات و صدقات واجبه) و احسان و نیکوکاری به رفع آن اقدام کنند اما وظیفه خاصی متوجه دولت و حاکمان جامعه اسلامی است. امام علی علیه السلام در عهدنامه خویش به مالک اشتر چنین می‌نویسد:

الله الله فی الطبقة السفلی من الذین لا حيلة لهم من المساکین و المحتاجین و أهل البؤسی و الزّمنی فإنّ فی هذه الطبقة قانعا و معترا و احفظ الله ما استحفظک من حقّه فیهم و اجعل لهم قسماً من بیت مالک و قسماً من غلات صوافی الإسلام فی کلّ بلد فانّ للأقصی منهم مثل ما للأدنی و کلّ قد استرعیته حقّه (نهج البلاغه نامه ۵۳)

«پس از خدا بترس، از خدا بترس درباره دستة زیردستان درمانده بیچاره و بی چیز و

نیازمند و گرفتار در سختی و رنجوری در این طبقه گروهی خویشن‌داری کرده و گروهی دست به گدایی دراز می‌کنند پس برای خدا پاسدار حقی باش که خداوند برای آنان معین فرموده است. قسمتی از بیت المال را که در دست‌داری و قسمتی از غلات و بهره‌هایی که از زمین‌های غنیمت اسلام به دست آمده، در هر شهری برای ایشان مقرر دار، زیرا دورترین ایشان را همان نصیب و بهره‌ای است که نزدیکترین آنها دارد و رعایت حق هر یک از آنها از تو خواسته شده است.

حضرت علی علیه السلام هنگامی که پیرمرد فقیری را مشاهده کرد از احوال وی جو یا شد و پس از اطلاع از اینکه پیرمردی مسیحی و از کار افتاده است، ضمن انتقاد از بی‌توجهی مردم نسبت به او، دستور داد که از بیت المال برای رفع حوائج او مستمری تعیین کنند. (شیخ حرّ عاملی، جلد ۱۱ باب ۱۹ صفحه ۴۹)

در منطق اسلامی فقرا در اموال غنیاء صاحب حق هستند و سهمی از اموال آنان برای فقراء در نظر گرفته شده است؛ «و فی اموالهم حق للسائل و المحروم» (ذاریات: ۱۹) امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَشْرَكَ بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ وَالْفُقَرَاءِ فِي الْأَمْوَالِ فَلَيْسَ لَهُمْ أَنْ يَصْرِفُوا إِلَى غَيْرِ شُرَكَائِهِمْ». (شیخ حرّ عاملی، جلد ۶ باب ۴ صفحه ۱۵۰) فقراء نه تنها در اموال توانگران سهمیم و شریک و ذی حق هستند بلکه از برخی روایات استفاده می‌شود که این لزوم برخورداری فقرا از اموال صاحبان ثروت در جامعه اسلامی به حدّی است که رفع‌کننده نیاز آنان باشد. امام صادق علیه السلام از جدّ بزرگوار خویش مولی الموحّدين علی علیه السلام نقل می‌کند: «إِنَّ اللَّهَ فَرَضَ عَلَى الْأَغْنِيَاءِ النَّاسِ فِي أَمْوَالِهِمْ قَدْرَ الَّذِي يَسَعُ فُقَرَاءَهُمْ». (قاضی نعمان مغربی، ۱۳۸۳ ق: جلد ۱: ۲۴۵)

گرچه واجبات مالی و حقوقی که اسلام به نفع فقراء بر ثروتمندان جامعه نهاده است وظیفه‌ای فردی بردوش آحاد اغنیاء مسلمان تصور می‌شود اما این به معنای آن نیست که دولت اسلامی و حاکمان جامعه مسئولیتی در امر فقر زدایی بر عهده ندارند زیرا مدیریت کلان دریافت و توزیع صدقات واجبه نظیر زکات بر عهده حاکم جامعه اسلامی است.

### ۳. استقلال و آزادی

آیات زیادی در قرآن، مبتنی بر آزادی و اختیار انسان است (مطهری، مجموعه آثار، ۱/ ۳۶۰؛ ۳/ ۸۲) و اولین دعوت اسلام، نفخه‌ی آزادی می‌باشد: «قولوا لا اله الا الله تفلحوا». (مطهری، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۶۸) «حریت» در متن ارزش‌های اسلامی است و اسلام، دین آزادی و حریت و مخالف با هرگونه تبعیض طبقاتی است. (مطهری، مجموعه آثار، ۲۵/ ۱۵۰) آزادی عقیده و مذهب در تاریخ صدر اسلام نیز، مشهود می‌باشد؛ (مطهری، مجموعه آثار، ۲۴/ ۱۲۸-۱۲۹، ۱۸۸، ۲۶۷-۲۶۹، ۳۷۵-۳۷۷) در جایی که آزادی عقیده در هیچ محیط مادی گرایی در جهان، سابقه ندارد. (مطهری، مجموعه آثار، ۱/ ۴۴۴، ۴۸۷)

در قرآن کریم از آزادی اجتماعی نیز سخن به میان آمده و حریت را، از مقاصد انبیا در نجات بشریت از چنگال اسارت و بندگی معرفی می‌کند. (مطهری، مجموعه آثار، ۲۳/ ۴۳۸-۴۴۰) در این مورد، دانشمندان اروپایی براین عقیده‌اند که ایمان و اعتقاد به خدا، آزادی فردی را نفی می‌کند و این در حالی است که اسلام، به حکم «فطرت» آزادی و اختیار را مساوی با ایمان و اعتقاد به خدا می‌داند. (مطهری، مجموعه آثار، ۱/ ۵۲۶-۵۲۷) و همین طور است که هر چه تاریخ، تکامل می‌یابد؛ آزادی‌های غیر منطقی و دیکتاتورها، جای خود را به آزادی می‌دهند. (مطهری، مجموعه آثار، ۱۵/ ۲۴۲-۲۴۴)

آزادی در کالبد قوانین اسلام جریان دارد و این در حالی است که در تمدن غرب که مدافع حقوق بشر و طرفدار آزادی می‌باشند، آزادی به معنای اصیل آن وجود ندارد و مردم در هیچ یک از شئون زندگی خود نه تنها آزادی نداشته، بلکه در باطن امر با دیکتاتوری و استبداد سردمداران حکومت مواجه می‌شوند. (آیت الله خامنه‌ای دام ظلّه؛ ۲۷/ ۱۲/ ۱۳۸۰)

بیانات در دیدار کارگزاران نظام، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3111>؛

بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان زنجان، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3199>؛

بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان استان کرمان، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3290>؛ ۲۰/ ۷/ ۱۳۹۰

از آیه «... وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلاً» (سوره نساء آیه ۱۴۱) نیز در جهت تامین و حفظ استقلال تام مسلمین در مقابل سلطه کفار استفاده کرده و قاعده فقهی «نفی سبیل» را از آن انتزاع نموده‌اند. بنابر این نفی سبیل چه در فقه و چه در بیان غالب مفسرین از وجوهی مترادف با استقلال می‌باشد. امام خمینی علیه السلام نیز در پیامی به روحانیون و ملت ایران در جهت مخالفت با لایحه کاپیتولاسیون که در ۴ آبان ۱۳۴۳ نگاشتند، پس از بسم الله همین بخش از آیه را نوشتند و در این پیام عیناً دوبار از واژه استقلال کشور سخن به میان آوردند.

#### ۴. عزت ملی، روابط خارجی و مرزبندی با دشمن

قرآن، سنت و عقل از منابع مبانی نظری سیاست و روابط خارجی اسلام محسوب می‌شود. و از آنجا که مخاطبان قرآن، همه ملت‌ها می‌باشند، از روابط مابین ملت‌ها سخن می‌گوید. اگرچه آیات مربوط به مسائل سیاست خارجی و روابط بین‌الملل به وضوح مشخص نشده است؛ اما قرآن، احکام و مقررات خدا را بر جامعه بشری عرضه می‌کند و اصول و قواعدی را در رابطه با جامعه، بین‌الملل و روابط مابین ملت‌ها مطرح می‌سازد. این نکته در روایات که -گفتار ائمه معصوم علیهم السلام و برگرفته از قرآن و سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله) است - نیز صادق می‌باشد و مسائلی در باب حقوق بین‌الملل و اصول آن نیز در سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و ائمه معصوم علیهم السلام آمده است (عمید زنجانی، ۱۳۷۷، ۳/ ۱۰۵ - ۱۰۷).

تشکیل حکومت، از احکام جدایی‌ناپذیر اسلام و نیاز ضروری جامعه بشریت است و مبنای سیاست خارجی نبی اکرم (صلی الله علیه و آله) با تأسیس دولت اسلامی شکل گرفت (امام خمینی، بی تا "ج"، ۲۰ - ۲۶). پیامبر (صلی الله علیه و آله)، پس از دیدارهایی با اهل یثرب و عقد پیمان‌هایی با آنها (ابن هشام، بی تا، ۱/ ۴۲۸ - ۴۳۸، ۴۵۴ - ۴۶۶) و به خاطر توسعه اسلام در آن سرزمین، دستور هجرت به یثرب را صادر فرمودند و پس از مدتی به مدینه هجرت نموده و دولت اسلامی را تأسیس کردند (ابن هشام، بی تا، ۱/ ۴۶۸، ۴۸۰). و مواجهه

سیاسی میان سران سایر مجامع در عرصه بین‌الملل، از صدر اسلام و در حکومت نبوی آغاز شد. از این رو، می‌توان حکومت حضرت رسول (صلی‌الله‌علیه‌وآله) را، عالی‌ترین و اصیل‌ترین نمونه عینی حاکمیت و نظام سیاسی برشمرد که بنیان‌ها و اصول آن از دین اسلام و آیات قرآن سرچشمه می‌گیرد. این بنیان‌ها عبارتند از:

توحید: اعتقاد به یگانگی خدا، زیربنا و اساس دین اسلام و ادیان آسمانی است و قرآن کریم زیباترین سخن را سخنی می‌داند که بشر را به خدای یگانه دعوت می‌کند (فصلت، ۳۳) این اصل در دولت نبوی نیز مشهود بوده و محور اصلی دیپلماسی اسلامی است و مبنای دعوت پیامبر از سران بزرگ جهان آن روز نیز قرار گرفته است (احمدی میانجی، ۱۴۱۹، ۲/۳۱۶).

دعوت: دعوت، درخواست پذیرش اسلام از غیرمسلمانان به دست مسلمانان است که در سیاست خارجی انبیای الهی از جمله پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) نیز مشهود است (ر. ک: متقی هندی، ۱۴۰۹، ۴/۴۸۳) که به تناسب اوضاع و مقتضیات زمانی و مکانی تحقق می‌یابد. به همین دلیل قرآن کریم، پیامبران را دعوت‌کنندگان دین معرفی می‌کند که بشر را به تعالیم و ارزش‌های وحیانی دعوت می‌کنند (نحل، ۱۲۵؛ شوری، ۱۵).

از این رو، پیش از بعثت حضرت رسول (صلی‌الله‌علیه‌وآله)، جامعه جاهلی و بدوی عرب - که در توحش، جنگ و خونریزی و تفاخر و تعصبات قبیله‌ای به سر می‌بردند - از هسته مرکزی و حکومت قدرتمندی برخوردار نبودند (علیخانی، ۱۳۸۶، ۵۴۳؛ عمید زنجانی، ۱۳۷۷، ۳/۱۲۸ - ۱۳۰) با بعثت حضرت رسول (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و تشکیل حکومت در مدینه، در چنین محیطی که آکنده از خشونت و قبیله سالاری بود؛ انقلابی بنیادین در نظام اجتماعی، انسانی، اخلاقی و معنوی عرب پدید آمد و مبانی نژاد پرستی آنها تخریب و معنویت ارتقا پیدا کرد و تلاش نبی اکرم در به وجود آمدن امت واحده، فراتر از مرزهای جغرافیایی تحت حاکمیت قانون الهی صورت پذیرفت (علیخانی، ۱۳۸۶، ۵۷۹ - ۵۸۱).



مصادف با بعثت نبی اکرم (صلی الله علیه وآله)، دولت‌های همسایه جزیره العرب، به دلیل اختلاف داخلی، عدم ثبات و سیطره دو امپراطوری بزرگ ایران و روم، روابط خوبی با هم نداشتند و همواره در رقابت و درگیری سیاسی و نظامی بودند و روابط منازعه آمیزی بر آنها حکمفرما بود (عمید زنجانی، ۱۳۷۷، ۳ / ۱۳۰ - ۱۳۲). از این رو، پس از صلح حدیبیه و آسودگی پیامبر از ناحیه مشرکین و در شرایطی که جنگ و سلطه جویی بر روابط دولت‌ها حاکم بود، پیامبر تلاش کرد با فرستادن سفیر و پیام به سران حکومت‌ها و ملت‌ها، از جمله دو امپراطوری بزرگ آن زمان، روابط گسترده‌ای با آنها آغاز کند (احمدی میانجی، ۱۴۱۹، ۲ / ۳۱۵ - ۵۰۸).

عدالت: از دیدگاه اسلام، نظام هستی براساس حق و بر محور عدل استوار است و به عنوان یک واقعیت جاودانه، قرآن کریم فلسفه بعثت و انبیای الهی را این اصل کلی بیان می‌کند که پیامبران آمدند تا عدل و دادگری را در زندگی انسان‌ها بگسترانند (حدید، ۲۵). سیاست خارجی دولت اسلامی بر مبنای قرآن کریم ضمن مشروع دانستن روابط بین‌المللی، مسلمانان را به داشتن روابط حسنه براساس قسط و عدل نسبت به کفاری که ستم پیشه و تجاوزکار نباشند، سفارش می‌کند (ممتحنه، ۸).

نفی سبیل: در روایات اسلامی، دفاع از مظلوم و مقابله با ظالم، یک فریضه دینی است (حر عاملی، ۱۴۰۳، ۱۸ / ۵۹۰). این اصل بر تمامی روابط خارجی مسلمانان در زمینه‌های گوناگون سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی حاکمیت دارد و هر نوع نفوذ و سلطه کفار در جوامع اسلامی می‌بایستی مسدود شود و دولت اسلامی، استقلال و عزت خود را حفظ کنند که این نپذیرفتن سلطه، برگرفته از آیات قرآن است که می‌فرماید: «خداوند هیچ راه سلطه‌ای را برای کافران بر مؤمنان قرار نداده است» (نساء، ۱۴۱). قرآن کریم، پیامبر و مسلمانان را دارای عزت معرفی می‌کند (منافقون، ۸) و به همین جهت تأکید دارد که سلطه کفار بر مسلمانان موجب حقارت و پستی مسلمانان در برابر غیر مسلمانان خواهد شد و این امر با اهداف عالی اسلام و رسالت نبوی مغایرت دارد.

جهاد: اصل جهاد و دفاع در برابر دشمن، از ضروریات عقلی و سیاسی هر عصری از جمله جامعه نبوی است. در این مسیر، شناخت ماهیت دشمنان خدا که دشمنان خلق او نیز هستند و ستیز و مبارزه مداوم با آنها و هوشیاری در برابر توطئه‌های آنان، از جمله مسائل مؤکدی است که قرآن در آیات متعددی بدان اشاره نموده است (انفال، ۶۰؛ منافقون، ۴؛ ممتحنه، ۱). بر اساس قرآن کریم، اگر جهاد، برای رضای خدا باشد؛ نفع آن در حیات سیاسی، به خود مؤمنان و جامعه اسلامی باز می‌گردد و مؤمنان مورد رحمت خداوند واقع می‌شوند (بقره، ۲۱۸؛ عنکبوت، ۶).

وفای به عهد و تعهدات: آیات قرآن با تأکید بر ضرورت پایبندی به تعهدات و پیمان‌ها، تنها در صورت تخلف طرف مقابل، نقض تعهد را جایز دانسته و در غیر آن، وفای به عهد را لازم می‌داند (بقره، ۱۷۷؛ مائده، ۱؛ رعد، ۲۰؛ اسراء، ۳۴؛ مؤمنون، ۸). در روایات نیز، وفای به عهد پناهگاهی برای مردم، برای دوری از مکر و فریب است که می‌بایستی محترم شمرده شود (نهج البلاغه، نامه ۵۳ (۳۳۹)). در آیین اسلام، مسلمانان باید به عهد و قراردادهای خود وفادار باشند، چون در برابر خدا مسئول هستند و شکستن عهد و پیمان آنها؛ نقض عهد خدا تلقی می‌گردد. فلسفه تأکید اسلام بر لزوم وفاداری بر عهد و پیمان، ایجاد زمینه توافق بر همزیستی و زندگی مسالمت‌آمیز است تا انسان‌ها با آزادی و صلح و امنیت با یکدیگر زندگی کنند و اصول و قواعد حاکم بر زندگی مشترک براساس توافق و اراده مشترک تنظیم گردد (عمید زنجانی، ۱۳۷۷، ۳/ ۵۰۰-۵۰۱).

## ۵. سبک زندگی

ترسیم سبک زندگی اسلامی از مواردی است که مورد اهتمام قرآن و سنت است و از دیدگاه این دو منبع گرانقدر چند ویژگی دارد:

### ۴.۱. و حیانی بودن

خداوند با فرستادن قرآن و معرفی پیامبر خود به عنوان بهترین الگو (احزاب، ۲۱)، در واقع

راه و روش صحیح زندگی را به انسان‌ها آموخت.

#### ۴.۲. جهان شمولی، جاودانگی و جامعیت

بررسی سبک زندگی اسلامی در واقع بررسی شناخت این موضوع است که دین اسلام چه قوانین و احکام و برنامه‌ای را برای زندگی انسان‌ها به تصویر کشیده است. اسلام از حیث قلمرو مکانی و زمانی، جهانی و جاودانه و از جهت قلمرو موضوعی جامع است. آیاتی که اسلام را دینی جهانی معرفی می‌کند (انبیاء، ۱۰۷ / سبأ، ۲۸ / فرقان، ۱)، دستوراتش را جاودانه و کامل می‌داند (انعام، ۵۹) و همچنین تبیان بودن قرآن برای هر چیزی را بیان می‌دارد (نحل، ۸۹ / یوسف، ۱۱۱)، ناظر به سه قلمرو یاد شده است.

پاسخ‌گویی به تمام نیازها یا نیازهای هدایتی بشر در همه اعصار، به معنای عدم توجه به تغییراتی که در انسان‌ها و جوامع پدید می‌آید، نیست؛ زیرا اسلام از دو بعد ثابت و متغیر (عناصر جهان‌شمول و موقعیتی) برخوردار است و تغییرات پدید آمده، بعد ثابت اسلام را دستخوش تغییر نمی‌کند، اگرچه عناصر موقعیتی اسلام به تناسب تغییر در جوامع، تغییر خواهند کرد.

البته راز ثبات و همیشگی بودن اصول و قواعد کلی سبک زندگی اسلامی را باید در این نکته جستجو کرد که این الگوی الگوی برخاسته از فطرت انسان (روم، ۳۰) است.

#### ۴.۳. شیوه‌ای مبتنی بر عبودیت

بر اساس آموزه‌های قرآن، هدف پیامبران الهی کشاندن مردم به صراط مستقیم است و صراط مستقیم یعنی عبودیت: «و ان اعبدوننی هذا صراط مستقیم» (یس، ۶۱). از این رو، سبک زندگی اسلامی، شیوه‌ای مبتنی بر عبودیت و بندگی خداست.

#### جمع بندی و نتیجه گیری

دیدگاه‌های مقام معظم رهبری و اکثر بیانات و مکتوبات ایشان و به ویژه بیانات و

مکتوبات مهمشان مبتنی بر دیدگاه اجتهادی و برآمده از منبع قرآن و حدیث است و لذا برای هر یک می‌توان پشتوانه‌های قرآنی و حدیثی را کشف نمود. در این راستا، این تحقیق به یافتن پشتوانه‌های قرآنی و حدیثی ناظر به توصیه‌های بیانیه گام دوم پرداخت و آیات و روایات مربوط به این توصیه‌ها را در سه بخش «پشتوانه‌های قرآنی و حدیثی ناظر به توصیه‌های مربوط به علم و عقل» و «پشتوانه‌های قرآنی و حدیثی ناظر به توصیه‌های مربوط به اخلاق و معنویت» و «پشتوانه‌های قرآنی و حدیثی ناظر به توصیه‌های مربوط به عمل و فعالیت» ارائه نمود.

این روش پشتوانه‌یابی در بسیاری از اندیشه‌های مقام معظم رهبری علیه‌السلام قابل پیاده‌سازی و مستندسازی است که پیشنهاد می‌شود در خصوص اندیشه‌های مهم ایشان این روش به کار گرفته شود.

## منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه فولادوند، محمد مهدی، تهران: دارالقرآن الکریم، ۱۴۱۵ ق.
۲. نهج البلاغه، ترجمه سید علی نقی فیض الاسلام، بی جا، تهران: موسسه انتشارات، ۱۳۷۸.
۳. ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی؛ الأمالی؛ تهران: کتابچی، چاپ ششم، ۱۳۷۶ ش.
۴. ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی؛ کتاب من لا یحضره الفقیه؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ ق.
۵. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی؛ تحف العقول عن آل الرسول؛ قم: جامعه مدرسین، چاپ دوم، ۱۴۰۴ ق / ۱۳۶۳ ش.
۶. امام خمینی، سید روح الله موسوی، صحیفه امام، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۷. آیت الله خامنه‌ای، سید علی حسینی، بیانات، حدیث ولایت، تهران، موسسه فرهنگی پژوهشی انقلاب اسلامی.
۸. آیت الله خامنه‌ای، سید علی حسینی، مکتوبات، حدیث ولایت، تهران، موسسه فرهنگی پژوهشی انقلاب اسلامی.
۹. حر عاملی، محمد بن الحسن بن علی، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، قم، مؤسسه آل البيت علیه السلام، ۱۴۰۹ ق.
۱۰. شریف الرضی، سید محمد بن حسین؛ نهج البلاغه (تحقیق صبحی صالح)؛ قم: هجرت، چاپ اول، ۱۴۱۴ ق.
۱۱. طباطبایی، سید محمد حسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ قم: انتشارات اسماعیلیان، چاپ دوم، ۱۳۷۱ ش.
۱۲. کلینی، محمد بن یعقوب؛ الکافی؛ تهران: دارالکتب الإسلامیة، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ق.
۱۳. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۷۷ ش.